

پژوهشی ژرف و گویا درباره‌ی خیام

مجید مهران

دبیرمات بازنشسته و پژوهشگر

□ ۱- درآمد

اخیراً به لطف یکی از دوستان کتابی تحت عنوان **رباعیات امین** با گفتاری درباره‌ی رباعیات خیام اثر پروفسور سید حسن امین به دستم رسید که به سبک نفیسی توسط انتشارات دایرةالمعارف ایران شناسی، منتشر شده است. قبل از هر چیز باید اذعان کنم تاکنون تحقیقی به این اندازه عمیق و گویا، درباره‌ی حکیم عمر خیام نخوانده بودم. اصولاً پروفسور سید حسن امین ابعاد گوناگونی دارد. صرف نظر از تحصیلات عالی که در علم حقوق انجام داده است و در گلاسگو دارای کرسی استادی است و سوابق طولانی در وکالت دادگستری داشته است و در سرودن قصیده و غزل و رباعی صاحب سبک بوده و چیره دست است و بدون شک جزو شاعران نام آور ایران عصر حاضر است و علاوه بر آن با انتشار مجله **حافظ** و قبلاً سردبیری مجله های **کلک** و **ایرانمهر** در میان ارباب جرائد جای مناسبی برای خود کسب کرده است و امیدواریم با کوشش هایی که می کند مجله خواندنی **حافظ** از محاق تعطیل درآید و مجدداً مجوز بگیرد و از هفت خوان رستم عبور کند.

یکی از گام‌های مهمی که پروفسور امین در راه اشاعه فرهنگ ایران برداشته است، کتاب هایی گران سنگی است که در زمینه فرهنگ و تاریخ و حقوق و ادبیات ایران در سال های اخیر به بازار کتاب عرضه داشته است و اگر بخواهم وارد مطالب آن‌ها بشوم، نیازمند مقاله مفصل دیگری است که از موضوع این مقاله بیرون است ولی باید گفت، این تعداد پژوهش و گردآوری این همه مطالب سودمند از عهده یک فرد معمولی بیرون است.

□ ۲- گفتاری درباره‌ی رباعیات و خیام

صرف نظر از مقدمه جامع و توضیحات

مؤلف در خصوص جایگاه رباعی در ادبیات فارسی و اصولاً اینکه شعر یک هنر است در کنار موسیقی، نقاشی، پیکرتراشی، تئاتر و سینما، پروفسور امین رباعیاتی که از ایام جوانی تاکنون، با الهام از خیام ساخته است و همه قابل تمجید و تحسین است را در این مجموعه گردآوری کرده است. اکنون، با اجازه خوانندگان وارد اصل مطلب می شوم.

□ ۳- کار پژوهش درباره‌ی رباعیات خیام

عیناً از متن کتاب نقل می شود: «کار پژوهش درباره‌ی رباعیات خیام با فرنگی‌ها شروع شد و بزرگانی چون ژکوفسکی - کریستن سن - فریدریخ روزن و رمپیس Rampis در این زمینه خدمتی کردند. جالب آنکه تا ۱۹۳۹ میلادی ۱۳۱۷ شمسی ترجمه فیتزجرالد از رباعیات خیام به انگلیسی بیش از چهارصد و ده بار تجدید چاپ شده بود.

در داخل ایران، اول بار کار تصحیح رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری به اهتمام ذکاء الملک فروغی و دکتر قاسم غنی در ۱۳۱۹ به ثمر رسید. مجموعه این رباعیات در ۱۴۸ صفحه به قطع کوچک با خط خوش نستعلیق از چاپ درآمد. . . فروغی و غنی تنها ۱۷۸ رباعی را از میان آن همه رباعیات که به نام خیام منسوب بود، اصیل شناختند و برای صحت و اصالت آنها مآخذ درستی به دست دادند، بدین گونه که آن ۶۶ رباعی را که به استناد مآخذهای قابل اعتماد و نزدیک به عصر خیام است و انتسابش بدو محرز بود معیاری برای سنجش رباعیات منسوب به خیام قرار دادند و هر رباعی منسوب را که از حیث شیوه بیان و بار معنوی و فکری با رباعیات مستند موافق آمد، پذیرفتند و بقیه را دور ریختند.»

عباس اقبال آشتیانی مدیر مجله یادگار

آن را چنین سنجید: «این چاپ هم براساس انتقاد علمی مبتنی نیست - چه در تشخیص صحیح از سقیم و اصلی از جعلی - ذوق و سلیقه ملاک و مقیاس بوده است نه سند و دلیل و برهان و این خلاف سنت علما و سیره اهل تحقیق است.»

البته آقای پروفسور امین نظر اقبال آشتیانی را رد نموده‌اند و نوشته‌اند که این شیوه کار فروغی و غنی خلاف سنت و سیرت اهل تحقیق نیست و سلیقه و ذوق تنها مناط کار ایشان نبوده است بلکه برای تعدادی از رباعیات مناط و معیار تعیین کرده و بقیه را با مقایسه آنها به خیام نسبت داده‌اند البته انتقاد اقبال آشتیانی از این جهت وارد است که پیروان یک شاعر ممکن است به تقلید از او اشعاری به سبک او بسازند، و لذا اگر تنها ملاک مورد انتساب به رباعیات تناسب مفاهیم و معانی باشد آثار همه مقلدان در یک سبک به شاعر اصیل صاحب سبک منتسب خواهد شد و از این جهت شاید مجموعه رباعیات خیام در منابع کهن به قلم سیدعلی میرافضلی و رضا ملک زاده رحیم و آثار مشابه آن مطلوب تر از نسخه فروغی - غنی باشد هرچند باید توجه داشت که صرف قدمت نسخه نمی تواند ضامن صحت و اصالت باشد چنان که هم در عصر ما بسیار می شود که اثر شاعری به نام شاعر دیگر چاپ و منتشر شده چه رسد به روزگاران گذشته.

نویسنده این سطور این تذکر را بنا به ضرب المثل معروف (الفضل للمقدم) به جا می داند که صادق هدایت در ایام جوانی شاید در حدود سال ۱۳۰۸ شمسی چون افکار خیام را با روحیات بدبین خود موافق دید، تحت عنوان «ترانه های خیام» مجموعه کوچکی انتشار داد که به معیار او فقط چهل رباعی اصالت داشتند و بقیه را از خیام نمی دانست، البته او هم از ذوق خود پیروی کرده بود و تصور نمی کنم ملاک و معیاری که مورد پسند اهل تحقیق باشد در نظر داشته باشد.

□ ۴- ارتباط فکر خیام با زمخشری و ابوالعلاء معری

روایتی را مرحوم استاد بدیع الزمان فروزانفر در خطابه‌ی در دانشگاه تبریز در ۱۳۲۷ نقل کرده است که از متن مزبور به قدیم‌ترین مآخذ درباره‌ی خیام است چنین

استنباط می‌شود که:

۱- حکیم خیام با جارالله زمخشری آشنایی و ارتباط داشته است.
۲- خیام در مباحثه خالی از لجاجت نبوده است.

۳- نسبت به علما و علم احترام خاصی قابل بوده

۴- به عقیده پروفسور امین مهم ترین اطلاعاتی که از این کشف استاد فروزانفر برای ما حاصل می‌شود همانا ارتباط فکری خیام با آثار استاد ابوالعلاء معری فیلسوف و شاعر بدبین عرب بود.

برای نمونه بیت اول یک رباعی:
عالم اگر از بهر تو می‌آریند
مگرای بدان که عاقلان نگرانند
استاد امین آن را تحت نفوذ این بیت از ابوالعلاء معری دانسته: «فلا تشرف بالدنیا عنک معرضه / فما التشرّف بالدنیا هو الشرف.»

۵- شاخصه‌های چهره‌ی تاریخی خیام

چهره‌ی تاریخی خیام را باید از منابع کهن نزدیک به عصر او شناخت و آنچه این منابع به ما می‌دهند نشانه‌ی آن است که:

۱- خیام فیلسوف مشائی و سنیوی یا «سنیائی» یعنی پیرو مکتب ابن سینا و شاگرد مع الواسطه او یعنی بهمنیار شاگرد ابن سینا بوده است.

۲- خیام منجمی استاد بوده که به فرمان ملک‌شاه سلجوقی و با همکاری چند تن از منجمان و ریاضی دانان نخبه عصر خود به تجدیدنظر در تقویم و گاه شناسی خورشیدی و بستن رصد جلالی در اصفهان پرداخت این بزرگان روز دهم ۳۷۱ ق ۱۶ مارس ۱۰۷۹ میلادی اول فروردین (نوروز) تعیین کردند.

۳- مخترع ترازوی آبی بود که وزن مخصوص اجسام را تعیین می‌کرد.

۴- ریاضی دان و مولف رساله جبر و مقابله بوده.

۵- هواشناس بود.

۶- در دیگر علوم رایج در آن عصر از جمله ادب، لغت، تاریخ، قرائت و تفسیر قرآن و فقه استاد بود.

۷- از بین شاعران شکاک و فیلسوف به آثار ابوالعلاء معری اعتنای ویژه داشت.

۸- در مجالس عشرت و شادخواری از نوع مجالسی که آن را ابوالفضل بیهقی با شرکت منصور هروی در خانه بوسهل سوزنی و یا به روایت نظامی عروضی در خانه امیر ابوسعید جره با شرکت خیام فیلسوف ریاضی دان همکاری ابومظفر اسفزاری بازنوخته اند، حضور می‌یافته و به عشرت و شادی می‌نشست.

الف. در عرف ایرانیان بویژه در میان نخبگان این سامان خوردن شراب حرمت یا کراهتی نداشت و در رساله مینوی خرد آمده است که در شراب اگر به اندازه خورند تن را سود دهد آن کس که بدخصلت چون شراب نوشد تندخو و ستیزه کار شود و این همان است که رودکی گفته است:

می‌آرد شرف مردمی پدید
و آزاده نژاد از درم خرید
می‌آزاده برون آرد از بد اصل
فراوان هنر است اندر این نبید
ب. این مجالس میان بزرگان علم و ادب تا اواخر قاجاریه هم تقریباً به همان سبک سابق برقرار بوده چنان که ایرج میرزا در وصف یکی از این مجالس اشعاری سروده که مطلع آن چنین است:

رفیق اصل و سرا امن و باده نوشین بود
اگر بهشت شنیدی بساط دوشین بود
شادخواری پنهانی و شب‌زنده‌داری
شاعرانه خیام توام با ویژگی‌های دیگر او که مهم‌تر از همه ترقع او از سطح فکر عامیان و عوام‌زادگان است موجب می‌شده است که خیام با کسانی از جهت علمی و عملی یا

صبح است دوبار کار می‌باید کرد

وز کار هبشان کار می‌باید کرد

چون کار به خستیا می‌باید کرد

در کار خود است کار می‌باید کرد

شعر: پرفسور سید حسین امین

خط: حسن مجتهدی

فکری و عقیدتی با او هم سو نبوده‌اند، زیاد نجوشتند. در نتیجه دایره‌ی مصاحبت او تنگ می‌شده است و صد البته نود و نه درصد از معاصران او در دایره مجالس عشرت و انس او قرار نمی‌گرفته‌اند. بنابراین خیام در برابر کسانی که از جهت فکری و جهان‌بینی با او هم‌سخن نبوده‌اند، جبهه می‌گرفته است و چنین کسانی را دست به سر می‌کرده و به درون حلقه بی‌نقاب خویش راه نمی‌داده است. و همین منش و رفتار و روش خیام، موجب شده است که بگویند خیام در تدریس و بحث - تنگ حوصله، کج خلق و شاید بخیل بوده است و در تالیف هم کم کار و یا خوددار است.

به همین سبب در برابر آن دسته از منابع رسمی اصیل و قدیمی که خیام را فیلسوف و منجم می‌شمارد، منابعی هم هست که از بدبینی، بداعتقادی و یا شک ورزی او به نظام احسن خلقت و قاعده‌ی اتقان صنع، انتقادی می‌کند که برای مثال رازی در **مرصاد العباد**، قطبی در **اخبار الحکما** و عطار در **الهی نامه** همه اشارت‌هایی به ضعف یا فساد عقاید خیام دارند.

از جمله عطار در داستانی از زبان رازدانی که روشن‌بین Clairvoyant بوده است و ارواح رفتگان را مثل زندگان می‌دیده است، نقل می‌کند و از این گزارش عطار هم که همشهری خیام بوده است برمی‌آید که:

۱- گور عطار پس از نزدیک دو قرن پس از مرگ او هم چنان در نیشابور معروف و مشهور بوده است.

۲- خیام نزد همشهریان خود به عنوان یکی از مشایخ شریعت یا طریقت مطرح نبوده است، بلکه اهل نظر و دقت و صحت و فساد عقاید او شبهه داشته‌اند و به همین دلیل از شخص روشن بین خواسته‌اند که حقیقت روح خیام را برایشان کشف کند.

۳- شخص روشن‌بین خیام را از جهت مدراج سلوک باطنی ناقص و ناتمام یافته است که البته گویای تلقی شخص عطار نیز هست.

۴- گفتنی است که عطار به رغم مخالفت فکری و سلوکی‌اش با خیام، رباعیات فراوانی تحت تاثیر خیام سروده است و به علاوه رباعیات خود را در مجموعه‌ی مستقل با عنوان **مختارنامه** تدوین کرده است. در یکی دو قرن اخیر سخنان نامربوط و

نامعقول در باب خیام بسیار گفته و یا نوشته‌اند، چنان که عده‌ای با قیاس به نفس او را مثالهی متشرع حتی عارف و صوفی تصور کرده‌اند و صدور اشعار خمربیه مغانه و لذت‌طلبانه اپیکوری را از او مستبعد دانسته‌اند، عده‌ای هم به زبان‌های بیگانه و یا خودی ترهات عجیب و غریبی که از ذهنیت خودشان برخاسته است، به هم بافته‌اند از جمله هارولد لمب Lamb در زندگی‌نامه‌ی خیام چاپ ۱۹۴۳ به داستان موهوم «سه یار دستانی» مندرج در جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر، شاخ و برگ داده است در حالی که مسلم است خیام و حسن صیاح با یکدیگر هم نسل و هم درس نبوده‌اند. و نیز در شمار همین داستان‌هاست که احتمالاً در آغاز جوانی خیمه دوزی می‌کرد. و از این جهت به خیام مشتهر شده است.

نویسنده‌ی ناشناخته و ناشناسی به نام ج.ک. م. شیرازی کتابی به زبان انگلیسی در یکصد و هشت صفحه در شرح احوال حکیم عمر خیام نوشته است و در اسکاتلند نشر کرده است که نشانگر آن است که مولف کتاب با عقاید و معارف و تاریخ اسلامی آشنایی کافی نداشته است. بر صحت این قول چه شاهد صادق‌تر از این توان جست که نویسنده کتاب علی بن موسی الرضا امام هشتم شیعیان را «شیخ امام رضا» و مأمون خلیفه عباسی را «امام مأمون» ضبط کرده است.

و از ادعای بی‌پایه‌ی کتاب آن‌چه قابل نقل است این که حکیم عمر خیام نه ایرانی تبار بل تازی نژاد است؟ بدین استناد که خیامی به خلاف مشهور ارتباط به خیمه دوزی و چادربافی ندارد بلکه نام یکی از قبایل عرب است و نویسنده کتاب فصل مشبعی در اثبات این قول نگاشته است که البته در برابر نص صریح ابوالحسن بیهقی دائر به نیشابوری بودن آباء و اجداد خیام است به کلی بی‌اعتبار می‌نماید بلکه همین سخنان بی‌پایه مولف مرا بر آن می‌دارد که او را نه تنها مسلمان بلکه غیرایرانی بدانم و عنوان شیرازی را مجموع بشناسم و الله اعلم بالصواب...

خیام چنان‌که از نوشته‌هایش برمی‌آید فیلسوف و ریاضی‌دان بوده و رساله جبر و مقابله و نیز رساله «شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس» او از آثار مهم ریاضی در قرون وسطی است چنین است البته در عرف

فرهنگ ایران آن زمان، شأن خود را بسا فراتر از شعر و شاعری می‌دانسته است و قطعاً وقت زیادی صرف سرایش شعر اعم از تازی و پارسی نمی‌کرده است.

امروز رباعیات محدود خیام همراه صدها رباعی مجهول القائل دیگر در یک ردیف به زبان‌های مختلف ترجمه شده و در نتیجه هنر شاعری او حیثیت علمی و فلسفی‌اش را تحت الشعاع قرار داده است از طرف دیگر در نبود اطلاعات کافی از زندگی خیام جمعی به جای خیام‌شناسی به خیام‌پنداری روی آورده‌اند از جمله:

الف. کسانی مانند ارنست رنان Renan فرانسوی (وفات ۱۸۹۲ میلادی) در مقام تفریط با سودجویی از رباعیات خیام نه تنها به خود خیام بلکه به اسلام اتهاماتی زدند و جمعی مانند صادق هدایت در ترانه‌های خیام از هر رباعی خیام وارد یا منسوب به خیام بر انکار خدا و نقد محیط مذهبی عصر خیام شاهد آوردند.

ب. در مقابل اینان گروه دیگری مانند رضا قلی خان هدایت در ریاض العارفین در عصر ناصرالدین شاه و حاج شیخ عباس علی کیوان قزوینی در ۱۳۱۷ قمری در مقام افراط اشعار خیام را با مبانی عرفان و تصوف تفسیر کرده‌اند که ما آن را نقد کرده و عدم تعلق خیام را به نحله عرفا و متصوفه به اثبات رسانده‌ایم.

خوانندگان احتمالاً با بنده هم عقیده می‌باشند که تاکنون در آثار که دانشمندان درباره‌ی زندگی‌نامه‌ی خیام و رباعیات او در ایران منتشر کرده‌اند چنین بی‌پرده و با شجاعت قلم فرسایی نکرده‌اند و پروفیسور امین بدون پرده پوشی حقیقت را افشا کرده است و در عین حال از جاده انصاف و بی‌طرفی دور نشده است و اگر بخواهیم صفحات بعد را درباره‌ی رباعیات خیام توضیح دهیم مثنوی هفتاد من شود و از حوصله خوانندگان سوء استفاده کرده‌ام. بنابراین به همین بسنده می‌کنم و به هم‌میهنان گرامی توصیه دارم این کتاب مفید را تهیه کرده و مجهولاتی را که درباره‌ی عمر خیام در ذهن خود دارند معلوم نمایند و در پایان مزید سلامت و توفیق دوست عزیزم جناب پروفیسور سیدحسن امین را در خدمت به عالم ادب و فرهنگ پارسی‌زبانان از درگاه باری تعالی مسالت دارم. ■